

قرار گفت و گوی مان با زهرا محسنی فرد، پژوهشگر و کارشناس حوزه کودک و نوجوان در باغ کتاب بوده باغی زیبا و چشم‌نواز در دل این شهر بزرگ که هیچ کس برای رفتن و آمدن به آن ممنوعیتی ندارد؛ به خصوص کودکان و نوجوانان که بیشترین مراجعه کنندگان هستند. محصولات این باغ با دیگر باغ‌های شهر فرق می‌کند. در اینجا به جای درخت میوه تا چشم کار می‌کند کتاب هست؛ جور و جور و از همه رنگ، تنوع‌شان آنقدر زیاد است که هر انسان بی‌ذوقی را به وجد می‌آورد. البته این تنها بخشی از جذابیت باغ کتاب به حساب می‌آید. در این مکان فرهنگی آنقدر تنوع سرگرمی وجود دارد که هیچ کس بی‌کار نمی‌ماند. محسنی فرد آمن به اینجا راه همه توصیه می‌کند به خصوص نوجوانان. می‌گوید خودش هم هر زمان که از مشغله روزانه خسته می‌شود سری به این باغ می‌زند و با گشت و گذار در فروشگاه‌های آن بانشاط می‌شود. از بین کتاب‌های خوش رنگ و روی آنجا یکی‌شان را برمی‌دارد و نشان می‌دهد. تصویر یکی از شخصیت‌های کارتون‌های



غرفه مشاوره کتاب

صحبت‌های این نویسنده جوان، تأثیر گذار و راهگشاست؛ «ما این ذهنیت برای نوجوان پیش می‌آید که از سویی به مطالعه ترغیب شده و از سویی دیگر به او تذکر داده می‌شود که هر کتابی را مطالعه نکند». امروز نمایشگاه کتاب افتتاح می‌شود. پس چطور باید کتاب خوب را تشخیص دهد؟ این سؤال که ممکن است دغدغه‌ی اغلب نوجوانان باشد را اینگونه پاسخ می‌دهد: «سال گذشته اتفاق خوبی در نمایشگاه کتاب افتاد و آن راه‌اندازی غرفه‌ای با عنوان «مشاوره کتاب» بود که بازتاب خوبی هم داشت. بچه‌ها همراه والدین خود به این غرفه می‌آمدند و از کارشناس‌هایی که در آنجا حضور داشتند کمک می‌گرفتند. استقبال نوجوانان برای مشاوره خیلی خوب بود. بعضی‌شان نمی‌دانستند چه کتابی را باید انتخاب کنند. مشاوران مستقر در غرفه از روحیات و علاقه‌مندی‌هایشان می‌پرسیدند و بعد هم راهنمایی‌شان می‌کردند که سراغ چه کتاب‌هایی بروند.»

نمایشگاه امسال

خانم دکتر محسنی فرد امیدوار است امسال باز هم این غرفه‌ها در نمایشگاه دایر باشد؛ چراکه به باور او مشاوره می‌تواند مسیر روشنی را برای مطالعه نوجوان مهیا کند. او در ادامه به بازتاب خوب غرفه‌های مشاوره کتاب اشاره می‌کند: «در غرفه‌های مشاوره کتاب نمایشگاه، کسانی که با بچه‌ها صحبت می‌کردند اشرف کاملی به روحیه نوجوانان و نیاز فکری آنها داشتند. بچه‌ها خیلی راحت از علاقه‌مندی‌های خود می‌گفتند و مشاوران نیز به آنها کتاب معرفی می‌کردند. مثلاً یکی‌شان تمایل داشت کتاب ترسناک بخواند. مانع او نمی‌شدند و کتاب‌هایی فراخور روحیه‌اش پیشنهاد می‌دادند.» در حوزه نوجوان کتاب‌های خوبی منتشر شده است. اما باید توجه داشت احساسات و روحیه نوجوانان با هم فرق می‌کند. یکی اهل خواندن کتاب‌های علمی-تخیلی است و دیگری کتاب‌های رئال دوست دارد. از این رو کسانی که در حوزه نوجوان، فعالیت یا سیاست‌گذاری می‌کنند باید به این موضوع توجه داشته باشند که با توجه به سلیقه و علاقه‌مندی نوجوانان، کتاب منتشر کنند.

با اطلاعات کامل کتاب بخیرید!

نوجوانی سن حساسی است. پسر یا دختری که تا یکی، ۲۰ سال پیش، پدر یا مادرش برای او کتاب تهیه می‌کرده حالا باید خودش این کار را انجام دهد. تنوع زیاد کتاب‌ها در نمایشگاه ممکن است او را به اشتباه بیندازد. از کارشناس عزیزمان پرسیدیم: «نوجوانان برای انتخاب کتاب چه گزینه‌هایی را باید مدنظر داشته باشند؟» گفت: «توصیه من به همه‌ی بچه‌هایی که قرار است از این به بعد خودشان کتاب مورد علاقه‌شان را انتخاب کنند این است که حتماً به شناسنامه درج شده در صفحه اول کتاب و نام نویسنده توجه کنند. هنگام خرید، نام نویسنده و کتاب را در فضای مجازی جست‌وجو کنند. از اطلاعات به‌دست آمده دستگیرشان می‌شود چه باید بکنند. اینکه نویسنده در حوزه نوجوان چقدر فعالیت داشته و تالیفاتش تا چه اندازه تأثیر گذار است و اینکه چقدر به روحیه نوجوان و خواسته‌هایش تمرکز دارد. درباره ناشر آگاهی داشته باشد. آیا ناشر سابقه‌ی هست؟ چه کتاب‌هایی را چاپ کرده است؟» البته فضای دیگری هم به نام گویدرینز (goodreads) تعریف شده که نویسنده‌ها و کتابخوان‌ها کامنت‌های خود را در آنجا می‌گذارند و نوجوان می‌تواند نظرات آنها را بخواند و تصمیم به تهیه کتاب بگیرد. از آنجا که بیشتر کتاب‌های حوزه نوجوان خارجی است، خانم محسنی فرد متذکر شد که بچه‌ها توجه خاصی به مترجم داشته باشند. او می‌گوید: «اگر کتابی ترجمه و نثر ضعیفی داشته باشد می‌تواند نوجوان را دلزده و از تباطش را با کتاب قطع کند.»

مطالعه با ابزار الکترونیکی

سوال انشما، پاسخ از کارشناس: چقدر کتاب خواندن در فضای مجازی و الکترونیکی، آن هم اغلب به صورت رایگان توصیه می‌شود؛ ولیکنش مغزمان نسبت به خواندن کتاب فعال است و پالیون کار قدرت تفکر افزایش پیدا می‌کند. تقویت تخیل با خواندن کتاب شکل می‌گیرد. من معتقدم اگر خواندن کتاب اهمیت نداشته خداوند در دوران‌های مختلف به‌وسیله کتاب با بشر ارتباط برقرار نمی‌کرد. مطالعه به‌صورت مکتوب قطعاً بهتر است اما سخت ممکن است به دلیل هزینه بالای کتاب برخی توانایی تهیه آن را نداشته باشند. از این رو به فضای مجازی روی آوردند. اگر مطالعه کتاب از طریق اپلیکیشن‌های معتبر یا اپ‌استوریت هزینه‌ی کمتری داشته‌ی مانعی ندارد. اما تأکید می‌کنم به‌صورت غیرقانونی و رایگان کتابی را دانلود نکنید؛ چراکه این کار به صحت تولید کتاب صدمه جبران‌ناپذیری می‌زند. بگذاریم چرخه کتاب فعال بماند.

آغاز دوستی با کتاب

مژگان مهرابی / روزنامه‌نگار



کتاب؛ همان یار مهربان دوران کودکی‌ها، این روزها آنقدر مهجور شده که کمتر سراغی از آن گرفته می‌شود؛ به خصوص نوجوانان که با گذر از مرحله کودکی احساس بزرگی می‌کنند و ترجیح می‌دهند فراغت خود را با سرگرمی‌های دیگری بپرکنند؛ مثلاً گشت و گذار در فضای مجازی البته این کار را می‌توان توجیه کرد. دنیای مجازی آنقدر جذابیت دارد که بتواند آنها را سرگرم کند. اما بعضی دیگر با از خترها یا بصران نوجوان برخلاف گروه اول سعی دارند رابطه خود با یار مهربان را صمیمی‌تر کنند؛ دوستی که بی‌ریا و بدون زنگی را به او نشان داده و قدرت تخیل و تفکرش را قوی می‌کند. برگزاری نمایشگاه کتاب بهترین فرصت برای آشتی با این یار مهربان است. اگر فکر می‌کنید فرصتش را دارید که سری به آنجا بزنید، حتی اگر اهل مطالعه هم نیستید دیدن کتاب‌ها حتماً شما را قافلق خواهد داد و برای خرید کتاب وسوسه می‌شوید. شاید بگویید که اطلاعاتی درباره انتخاب کتاب و مفید بودن یا نبودنش ندارید. نگران نباشید. دوچرخه این مشکل را برای شما حل کرده است. در این گزارش خانم زهرا محسنی فرد، نویسنده و پژوهشگر حوزه کودک و نوجوان با نوجوانان گفت‌وگویی داشته است که قطعا راهنمای خوبی است. اگر می‌خواهید چم و خم ورود به دنیای کتاب را بدانید، بد نیست این گزارش را مطالعه کنید.

جای خالی کانون

جای خالی کانون پرورش فکری در نمایشگاه کتاب سال گذشته، ایراد بزرگی بوده که زهرا محسنی فرد به آن اشاره و از آن گله می‌کند: «کانون پرورش فکری تنها نهاد تربیتی کودک و نوجوان است که به‌طور مستقل عمل می‌کند. محلی است برای رشد و شکوفایی کودکان و نوجوانان. خیلی از افراد برجسته کشورمان موفقیت‌شان را مدیون حضور در کانون هستند. امتیاز بازار کانون این است که خدمات‌رسانی‌شان در مناطق محروم کشور و شهرهای بزرگ یکسان است. از این رو بچه‌ها می‌توانند توانمندی‌های خود را به این واسطه پیدا کرده و شکوفا کنند.» کانون بخش غیرقابل انکار تاریخ ایران است. او با اظهار تأسّف از اینکه چرا نسبت به چنین گنجینه‌ای کم‌لطفی شده است، می‌گوید: «کانون فرصت‌هایی برای پرورش خلاقیت نوجوانان ایجاد می‌کند که در دیگر مکان‌های فرهنگی دیده نمی‌شود.»



برای دیدن فیلم این گزارش کیوار کد را اسکن کنید

نمایشگاه کتاب تهران از امروز (بیستم اردیبهشت ماه) تا سه‌ام برقرار خواهد بود؛ برای آشنایی برنامه‌های دارید؟



مطالعه؛ مهارت یا عادت؟

طبق آمار به‌دست آمده، میزان مطالعه آزاد بین نوجوانان عدد کمی را نشان می‌دهد. سهم مطالعه هر دانش آموز ۵/۵ دقیقه از کل ۴۸۲ دقیقه اوقات فراغت او در شبانه‌روز است. این مهم نشان می‌دهد که بچه‌ها بخش اعظمی از برنامه روزانه خود را بدون هدف می‌گذرانند؛ در حالی که آمارها نشان می‌دهد زمانی که نوجوان برای بازی در فضای مجازی سپری می‌کند ۹۹ دقیقه در روز است. این یک زنگ خطر است و معنی و مفهوم آن نشان می‌دهد که کودکان و نوجوانان مابقت خود را بی‌هدف و به‌بطالت سپری می‌کنند. شاید بعضی از والدین به این موضوع کم‌توجه باشند اما کم‌نیستند پدر و مادرهایی که نگران این پدیده‌ی ناخوشایند هستند. از این‌رو از کارشناس‌های حوزه نوجوان سؤال می‌کنند چطور فرزندمان را کتابخوان کنیم؟ محسنی فرد در این باره می‌گوید: «مطالعه کردن یک توانمندی است. این توانمندی در خانواده شکل می‌گیرد. نوجوان ما نیاز دارد برایش برنامه‌ریزی شود. پدر و مادری که اهل مطالعه هستند فرزندشان الگو برداری می‌کند. البته بی‌رغبتی به مطالعه فقط نوجوانان را درگیر نکرده و احاد مردم با این مشکل مواجه هستند. چرا که اغلب وابستگی زیادی به جهان تصویر دارند.» او خواندن کتاب را به بچه‌ها گوشزد می‌کند و متذکر می‌شود که با مطالعه در بچه‌های زیادی از زندگی به روی‌شان باز و ذهنشان پویاتر می‌شود. این پژوهشگر حوزه نوجوان تأکید می‌کند: «اینکه کتابخوانی باید به‌عنوان یک فعالیت روزمره تعریف شده باشد مهم است. وقتی بچه در خانه یا مدرسه‌ای رشد می‌کند که کتاب عنصر بااهمیتی نباشد نمی‌توان از او توقع داشت کتابخوان شود. خانواده، مدرسه، جامعه، رسانه همه این موارد در پیوند نوجوان و کتاب نقش دارد.»

کتاب فیلم

چشم‌نوازی طرح کتاب - به‌ظاهر توانایی آن را دارد که نوجوان را جذب خود کند. خانم محسنی فرد هم دقیقاً به همین موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید: «نوجوان وقتی وارد نمایشگاه کتاب یا هر مرکز فرهنگی دیگری می‌شود برای خرید، اول از همه به جلد و تصاویر آن دقت می‌کند. هر چه صفحه‌آرایی و رنگ آن متنوع‌تر باشد نوجوان بیشتر ترغیب می‌شود آن را خریداری کند؛ بی‌آنکه بداند کتاب مورد نظرش از کیفیت بالایی برخوردار هست یا خیر. از آنجا که بچه‌ها به توجیه به علاقه‌ای که به دنیای نمایش دارند بیشتر جذب کتاب‌هایی می‌شوند که فیلم آن را دیده باشند، اما این کتاب‌ها الزاماً همیشه با محتوا نیستند و خوراک فکری مناسب نوجوانان را تامین نمی‌کنند.»

عاشقانه‌های یونیس در شکم ماهی
ناشر: کانون پرورش فکری
موضوع: تاریخ ادبیان
نویسنده: جمشید خانیان

کک در لباس حاکم
ناشر: کانون پرورش فکری
موضوع: داستانی
نویسنده: مژگان شیخی

سایه‌ی هیولا
ناشر: کانون پرورش فکری
موضوع: داستانی
نویسنده: عباس جهانگیریان

قصه بزه سرخ و شاهزاده غمگین
ناشر: کانون پرورش فکری
موضوع: داستان
نویسنده: سیمک گلشنی

خانه‌ی سخن‌گو
ناشر: قدیانی
موضوع: داستانی
نویسنده: مژگان شیخی

داستان‌های امیل
ناشر: کانون پرورش فکری
موضوع: رمان
نویسنده: آسترید لیدنگرن
مترجم: بهمن رسام‌آبادی

تجربه یک روغن کاری درست و حسابی!



شراره داوودی / روزنامه‌نگار

متولد ۷۹ بود و نزدیک یک سالگی اش که چشمش به لوگوی چند رنگش افتاد. آن پنجشنبه شعله‌ای در ناخودآگاهم روشن شد که حالا ۲۰ سال است همچنان می‌سوزد و راه خودش را به همسایه‌ی زندگی‌ام پیدا کرده است. «دوچرخه» مهم‌ترین، بزرگ‌ترین و اثرگذارترین اتفاق همه‌ی دوران نوجوانی‌ام به‌شمار می‌آید. آن قدر مهم به‌شمار می‌آمد که حتی وقتی سنم از ۱۷ سالگی رد شد، می‌گفتم نمی‌خواستم در تیم جوان‌ها باشم و می‌ترسیدم که بزرگ شدن مرا از مهر کابی بیندازد!

در همه‌ی ۲۰ سال گذشته، نوجوان‌های زیادی با دوچرخه همراه شدند، رشد کردند، یاد گرفتند، کتاب خواندند، فیلم دیدند، کاردستی درست کردند و با همین تجربیات، استعداد‌های خودشان را پیدا کردند؛ نویسنده، شاعر، خبرنگار، عکاس و نقاش‌هایی از دل نامه‌های نوجوانانه متولد شد؛ بچه‌هایی که همین حالا هر کدام در گوشه‌ای از کشور سرگرم هستند و بای صحبت‌هایشان که بنشینتی دوچرخه را همان نیروی محرکه و آموزشی معرفی می‌کنند که مسیر زندگی‌شان را تغییر داد.

ما، نسل ما و اصلاً خود من، خوش‌شانس بودیم که با دوچرخه و آدم‌هایی که از صادق‌ترین‌ها بودند، آشنا شدیم. یک زندگی بدون هدف و حتی بی‌برنامه در دوران نوجوانی، تبدیل به چیزی شده بود که شوق نامه نوشتن و فرستادن، شوق چاپ شدن نوشته‌ها، شوق داشتن کارت خبرنگار افتخاری، همه‌ی زندگی را تغییر می‌داد و من، شراره داوودی اگر امروز عنوان خبرنگار را روی خودم می‌گذارم، همه‌اش را از دوچرخه دوست‌داشتنی دارم.

حالا خبر آمده، خبر خوبی آمده... گفتند زین و کابش را روغن کاری کردند، گفتند قرار است مهر کاب‌های جدیدی بیایند و دوچرخه را دوباره «غاز» کنند. یک آغاز دلنشین که از شنیدنش و فقط شنیدنش دلم غنچ رفت. من به دوچرخه ایمان دارم. در همه‌ی بالا و پایین‌ها نشان داده که شاید سرعتم کم شود، شاید گاهی زنجیرش در برود، اما همیشه بوده و ادامه داده و دست نوجوان‌ها را گرفته. حالا هم امید دارم، اما امید به مسیر روشنی که فقط با کمی تلاش و همراهی اتفاق می‌افتد. دوچرخه‌ی عزیزم! از برگشتنت خوشحالم!

